

جنگ نرم و رویارویی انقلاب اسلامی با رویکردهای ستیزه‌جویانه

غرب علیه ایران

مهدی هدایتی شهیدانی^۱

◆ اشاره

پس از بروز اغتشاشات سال گذشته، عمده مطالعات اندیشمندان حوزه‌های سیاسی حول محور موضوع جنگ نرم و متعلقات آن می‌چرخید. یکی از مهم‌ترین این مباحث، روش‌های نوین و رویکردهای تعارضی جهان غرب و به‌ویژه ایالات متحده نسبت به جمهوری اسلامی ایران است. در این مقاله رهیافت‌های تقابلی از حیث نگاه کارکردی قدرت نرم و عملیات روانی کاخ سفید علیه ایران و همچنین راهکارهای مقاومت‌گرایانه پیش روی جمهوری اسلامی مورد خوانش قرار خواهد گرفت. در پایان نیز جهت ارایه

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، گرایش مطالعات امریکای شمالی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

راهکارهای مواجهه با این روند، مناسب‌ترین گزینه، رهنمودهای مقام معظم رهبری تشخیص داده شده است که به طور اجمال بدان‌ها اشاره خواهد شد.

دشمن در جنگ نرم تلاش دارد تا با استفاده از ابزارهای فرهنگی و ارتباطی بسیار پیشرفته و با شایعه و دروغ‌پراکنی و استفاده از برخی بهانه‌ها، میان آحاد مردم تردید، بدبینی و اختلاف ایجاد کند.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

◆ مقدمه

پدیده جنگ نرم^۱ که هم‌اکنون به عنوان پروژه‌ای عظیم، علیه جمهوری اسلامی ایران در حال تدوین و اجرا می‌باشد در شاخص‌هایی همچون ایجاد نارضایتی‌های عمومی از طریق شکل‌دهی تعمدی وضعیت اقتصادی نامناسب، به‌وجود آوردن نهادهای مدنی غیردولتی همسو با خویش و استفاده از عملیات گسترده روانی و رسانه‌ای از طرق مختلف در جهت ناکارآمد جلوه دادن دستگاه اجرایی کشور در انجام امور روزمره مردم از سوی کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا متبلور شده است. آنچه به عنوان جنگ نرم در ادبیات سیاسی کنونی دنیا رایج گشته عبارت است از تمامی الگوهای رفتاری روانی و استفاده‌های رسانه‌ای یک بازیگر نسبت به بازیگری دیگر به نحوی که منجر به اثرگذاری حداکثری بر محیط اجتماعی و سیاسی بازیگر هدف شود. در این بین تسلیم نمودن آرا و اندیشه‌های بنیادی بازیگر رقیب و ایجاد تزلزل در افکار و اندیشه‌های جامعه هدف در راستای اهداف از پیش تعیین‌شده، از جمله اهداف این‌گونه از جنگ‌ها می‌باشد. لازم است که قبل از ورود به مبحث جنگ نرم برای آشنایی

بیشتر با کلیت موضوع به تعاریفی همچون قدرت نرم،^۱ تهدید نرم،^۲ جنگ روانی^۳ و جنگ رسانه‌ای^۴ بپردازیم.

ژوزف نای^۵ - نویسنده کتاب قدرت نرم و رهبری هوشمند - در تعریف قدرت نرم می‌گوید: قدرت نرم، توانایی دستیابی به اهداف و آمال مطلوب از طریق جلب حمایت افکار عمومی جامعه و نخبگان و اقناع اذهان به جای اعمال فشار است. این بعد متأخر قدرت، از منابع فرهنگ، عقاید، باورها و آداب و سنن اجتماعی منشأ می‌گیرد. پیشرفت چشمگیر فناوری اطلاعات در دوران جدید به رشد روزافزون ارتباطات منجر شده و مرزهای جغرافیایی را درنور دیده است. امروزه این قدرت نقش مهمی در عرصه روابط بین‌الملل و مانور واحدهای سیاسی یافته است.^۶

نای به‌طور ویژه به کشورش یعنی ایالات متحده اشاره می‌کند و اعتقاد دارد این کشور به‌واسطه وجود منابع و توانایی‌های فراوان در این زمینه می‌تواند نقش مهمی در کنترل و هدایت تعارضات جهانی ایفا کند. هنگامی که قدرت‌های بزرگ از قدرت نظامی برای ابراز تهدید و برافروختن آتش جنگ بهره می‌برند سعی دارند تا با استفاده از مهارت‌های فزاینده و عنصر اقبال در یک بازه زمانی مشخص، آنچه را که مد نظر دارند به‌دست آورند. بهره‌گیری از ابزارهای سخت و ایجاد تهدیدهای فیزیکی از دشواری کمتری نسبت به ایفای قدرت نرم برخوردار است؛ چراکه بسیاری از منابع مهم و اساسی‌اش خارج از کنترل حکومت‌ها هستند و تأثیرات آن به‌شدت به پذیرش مخاطبان قبول‌کننده بستگی دارد. افزون بر این، منابع قدرت نرم،

۱ . Soft Power

۲ . Soft Threat

۳ . psychological warfare

۴ . Media War

۵ . Josef S. Nye

۶. ژوزف نای، «ابزار موفقیت در سیاست جهانی برخوردار بودن از قدرت نرم»، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، عملیات

روانی، ۱۳۸۶، ش ۱۸، سال پنجم.

اغلب به طور غیرمستقیم با شکل‌گیری محیط سیاست‌گذاری، کارساز می‌افتند و گاهی سال‌ها طول می‌کشد تا نتایج مطلوب به‌دست آید.

نای در جایی دیگر، از ترکیب قدرت نرم با قدرت سخت سخن می‌گوید و آن را قدرت هوشمند^۱ می‌نامد. از منظر او آمریکا باید با کشورهای هم‌چون ایران، که موجب همسویی منافع سایر تهدیدکنندگان منافع ایالات متحده می‌شوند، هوشمندانه مقابله نماید.

امریکا باید نگران استراتژی‌هایی باشد که به دشمنانش کمک می‌کند نیروهای ناهمگون را تحت یک پرچم متحد سازند. ایالات متحده داستان خوبی برای روایت کردن در اختیار دارد، اما ناکامی‌اش در ترکیب قدرت سخت و نرم در یک استراتژی هوشمند بدین معنی است که اغلب اوقات راه خود را می‌رود و قصه خود را می‌سراید و این می‌تواند مخرب باشد.^۲

دکتر ابومحمد عسگرخانی نیز طی سخنانی از «جوزف نای» به عنوان ابداع‌کننده واژه قدرت یا استراتژی نرم و وابسته به حزب دموکرات آمریکا نام می‌برد و می‌افزاید:

او- نای- اعتقاد دارد که از این پس آمریکا باید جهان را با قدرت نرم خود یعنی استفاده از جذابیت‌های سیاسی، ارزش‌های آمریکایی^۳ و واژه‌هایی نظیر دموکراسی، حقوق بشر و انقلاب‌های رنگین رهبری کند.

عسگرخانی معتقد است که جوزف نای سیاست نومحافظه‌کاران آمریکا را که به افغانستان و عراق حمله کرده‌اند براساس قدرت سخت می‌داند و آن را سبب افول قدرت نرم آمریکا در جهان نکر می‌کند زیرا مبارزه با تروریسم نیز، به‌زعم وی، با قدرت سخت امکان‌پذیر نیست بلکه باید با قدرت نرم با آن مبارزه شود؛ او حتی معتقد است که طالبان را نیز باید دعوت

۱ . Smart Power

۲. ژوزف نای، رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه محمودرضا گلشن‌پژوه و الهام شوشتری‌زاده، تهران، ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۷.

۳ . American Values.

نماییم نه اینکه با آن بجنگیم. راهبردهای اخیر برخی از محافل امریکایی در مذاکره با طالبان در این فضا قابل بررسی است. دکتر عسگرخانی همچنین تأکید دارد که کارگزاران جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جنگ نرم باید از پاداستراتژی نرم استفاده کنند و در همین ارتباط مطالعه کنگره، قدرت اجرایی و وزارت خزانه‌داری امریکا و ساختار شورای امنیت ملی آن ضرورت دارد.^۱

۱. تهدید نرم، جنگ روانی و اثرپذیری جوامع

تهدید نرم به اقداماتی اطلاق می‌گردد که دشمن در آن سعی دارد تا با اعمال یکسری روندهای برنامه‌ریزی‌شده، زمینه را برای کم‌رنگ جلوه دادن ارزش‌های جامعه هدف فراهم آورد. در این نوع از تهدیدات تلاش خواهد شد تا رویه‌های مقاومت‌گرایانه به تدریج مورد تردید و بازنگری قرار گیرند و جوامع نسبت به استمرار این رویکردها اظهار نگرانی نمایند که مبادا مورد تهاجم دشمن واقع شوند. این جریان خود یک نوع عملیات روانی است که در آن به‌رغم عدم استفاده از تسلیحات نظامی، کشوری می‌تواند کشور دیگر را با چالش‌ها و بحران‌های متعدد مواجه سازد.

تهدید نرم را می‌توان تحولی دانست که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می‌شود. تهدید نرم نوعی سلطه کامل در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری ملی در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای نظام سلطه‌ای، محقق می‌شود. با این نگرش، تمامی اقداماتی که موجب شود تا اهداف و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی (زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست) به خطر افتد، یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «بررسی تهدیدات نرم بیگانگان علیه جمهوری اسلامی ایران»، در این زمینه رک:

<http://www.majlis.ir/mhtml/modules.php?name=News&file=article&sid=۲۱۷۳>

اساسی در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی یک کشور شود، تهدید نرم به‌شمار می‌آید. در تهدید نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، کشور مهاجم، اراده خود را بر یک ملت تحمیل و آن را در ابعاد گوناگون با روش‌های نرم‌افزارانه اشغال می‌کند.^۱

تردید در مبانی فکری یک نظام سیاسی، ایجاد تشکیک در باورهای اصلی جامعه و به‌کارگیری الگوهای رفتاری بحرانی در جامعه را می‌توان از شاخص‌های این تهدید قلمداد کرد. نتایج به‌دست آمده از تهدید نرم، بنیادی، بی‌سروصدا، اندیشه‌ای و تدریجی است. این تهدید همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از ابزارهایی چون رسانه‌های جمعی، احزاب سیاسی، تشکل‌های صنفی و قشری و شیوه القا و اقناع انجام می‌پذیرد. در حال حاضر جهانی‌سازی فرهنگ، مترادف با مفهوم تهدید نرم تلقی می‌شود.

تهدیدات نرم از ماهیت پیچیده‌ای برخوردارند که ثمره بازخوانی آرا و اندیشه‌های خواص می‌باشد. برخلاف تهدیدات سخت که هنگام اندازه‌گیری به سهولت قابل رؤیت‌اند، تهدیدات نرم به‌دلیل غیرمحسوس بودن از ماهیت نامشخصی برای اندازه‌گیری برخوردار هستند. در این میان نقش رسانه‌ها در پشتیبانی و حمایت از روند اجرایی این تهدیدات بسیار حایز اهمیت می‌باشد.

مفهوم بعدی، جنگ روانی است که در اینجا سعی داریم تا حدودی ذهن خواننده را با آن آشنا سازیم. عده زیادی میان جنگ روانی و جنگ رسانه‌ای تفاوت قائل می‌شوند، اما از نظر برخی دیگر این دو واژه دارای بار معنایی یکسان هستند و در یک چارچوب تئوریک قابل بحث می‌باشند. اصلی‌ترین ابزار کشورها در راه‌اندازی عملیات روانی علیه یک کشور دیگر استفاده از دستاویزی به نام رسانه می‌باشد. کشورها بدون تمسک به رسانه نمی‌توانند دست به عملیات روانی بزنند. رسانه می‌تواند به عنوان اولین منبع رشد فزاینده شایعه، به کمک طراحان

۱. محمدطاهای سراجی، «تهدیدها چگونه می‌آیند؟»، *ره/انتظار* (ویژه‌نامه جریان‌شناسی نفاق در حکومت دینی)، ۱۳۸۸،

عملیات روانی در یک کشور بشتابد. شایعه در مواقعی رواج می‌یابد که مردم به کسب خبر علاقه وافری نشان می‌دهند ولی نمی‌توانند از منابع صحیح آن را دریافت نمایند. این امر در نگاه نخست بسیار ساده می‌باشد، چون افرادی که به‌گونه‌ای افراطی مایل به کسب اخبار مهم و تنش‌زا هستند به هر نوع ابزار کسب اطلاعات دست می‌یازند و در صورت به‌دست آوردن این خبرها، آن را در اختیار سایرین می‌نهند.

آنچه موجب افزایش سرعت انتقال شایعه در یک اجتماع بحرانی می‌شود، عدم انتشار به موقع و سریع اخبار و اطلاعات صحیح است. از دیگر معایب تأخر زمانی در انتشار اخبار و اطلاعات، این است که حتی چنانچه پس از رواج شایعه در کل یک اجتماع اخبار صحیح از طریق رسانه‌های معتبر منتشر گردد به دلیل فراگیری و غبارآلوده بودن فضای ایجادشده توسط شایعه، از اثرات نامطلوبی برخوردار خواهد بود. برای دستیابی به نوعی ایمنی در برابر شایعه، حضور مسئولان در بین مردم، پرهیز از شعارهای بدون عمل، آرایه به‌موقع اخبار و سرعت در امر اطلاع‌رسانی و رودررو با مردم سخن گفتن از جمله روش‌هایی است که باید مورد توجه واقع شود.^۱

جنگ رسانه‌ای برخلاف جنگ‌های نظامی^۲ که عمدتاً از ماهیت سخت‌افزارانه برخوردارند و غالباً میان دو یا چند کشور به عنوان ائتلاف با یک کشور جریان می‌یابند، می‌تواند میان یک گروه از کشورها با گروه بزرگ دیگری از کشورها با ویژگی‌هایی مشخص جریان یابد. جنگ رسانه‌ای غرب علیه جهان اسلام و نیز کشورهای جهان سوم، دو نمونه بارز از موضوعی هستند که می‌توانیم آن را به جنگ جهانی رسانه‌ای تعبیر کنیم.^۳

۱. «آسیب‌شناسی رشد شایعات و نقش رسانه‌های داخلی و خارجی»، ویژه‌نامه کودتای مخملی، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۸، ص ۷۹-۷۸.

۲. Military War

۳. مهسا ماه‌پیشانیان، «جنگ نرم چیست؟»، ویژه‌نامه وزارت آموزش و پرورش به نقل از:

Robert Kagan, (۲۰۰۶) "It's the Regime, stupid", *Washington Post*, ۲۹ Jan, P۷.

طی سال‌های دهه ۱۹۹۰، شکل جدیدی از تعارض جهان غرب علیه کشورهای اسلامی ظهور یافت. در این ارتباط نشانه‌هایی از مقابله‌گرایی با الگوهای نرم‌افزاری نمود پیدا کرد. نظریه‌پردازان جدید غربی جلوه‌هایی از اقدامات روانی و عملیات نرم‌افزاری را به عنوان الگوی بهینه در رفتار استراتژیک مورد تأکید قرار می‌دهند.^۱ دستگاه تبلیغات و عملیات روانی غرب در پی آن است که افکار عمومی داخلی را مجاب سازد که نبرد امریکا با جهان اسلام، نبرد میان دو اردوگاه «خیر» و «شر» است؛ از سوی دیگر الگوهایی مورد استفاده قرار می‌گیرند که شامل هزینه‌های استراتژیک محدودی برای امریکا و سایر کشورهای غربی باشند.

شواهد نشان می‌دهد جهت‌گیری رسانه‌های غربی از طریق حداکثرسازی تعارض فرهنگی بین آنان و دیگران سازماندهی شده است. هانتینگتون^۲ بر هویت‌سازی جهان غرب برای حداکثرسازی انسجام اجتماعی تأکید همه‌جانبه‌ای نموده است. وی در سال ۲۰۰۴ کتاب معروف خود در مورد چالش‌های هویت در جهان غرب را منتشر کرد. او در این کتاب بر ضرورت دوگانه‌سازی تأکید دارد. ایجاد دوگانگی و ظهور فضای مبتنی بر دوگانگی خیر و شر، برای مقابله با گروه‌های اسلام‌گرا طراحی شده است.^۳ نبرد میان این دو اردوگاه اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا «اردوگاه شر در صورت سرکوب نشدن، آرامش و امنیت را از جهان دموکراتیک سلب و رفاه و آسایش را بر امریکایی‌ها حرام خواهد کرد»^۴

رویکردهای ارایه‌شده از سوی نظریه‌پردازان غربی نشان می‌دهد جنگ روانی غرب علیه

۱. ابراهیم متقی، رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۴.

۲. Samuel Huntington

۳. ساموئل هانتینگتون، چالش‌های هویت در امریکا، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴.

۴. F.D Kassin et al, «Muslim Societies and Psychological Warfare», *Journal of Sociology*, ۱۸, ۲۰۰۴, ۱۳۱-۱۴۲.

کشورهای اسلامی از طریق بهره‌گیری از روش‌های تاکتیکی و الگوهای استراتژیک متفاوت انجام می‌شود. هم‌اکنون، جلوه‌های متفاوتی از رفتار در جهان غرب شکل گرفته که بر عملیات روانی و اقدامات نرم‌افزاری مبتنی می‌باشد. نشانه‌های این‌گونه رفتار را می‌توان در فعال‌سازی «هالیوود»^۱ و «والت دیسنی»^۲، تولید بازی‌های کامپیوتری و نیز توسعه ادبیات نبرد سرنوشت‌ساز مورد ملاحظه قرار داد. البته هر یک از این اقدامات بخشی از عملیات روانی جهان غرب علیه گروه‌های متعارض که عمدتاً کشورهای اسلامی می‌باشند، محسوب می‌شود.

♦ جنگ نرم و دیپلماسی عمومی غرب

از آنجایی که بخش قابل توجهی از عملیات روانی غرب معطوف به افکار عمومی توده مردم جهان اسلام است، تلاش‌های تبلیغاتی غرب برای این گروه در سطح چند فن و تکنیک نفوذ و مجاب‌سازی محدود مانده است. غربی‌ها درصدد تغییر بنیادی باورها، الگوهای رفتاری، نگرش و سبک زندگی مردم کشورهای اسلامی هستند. به تعبیر هرت^۳ آمریکا در پی ایجاد فرهنگ نوین در جهان اسلام است.^۴

زمانی که گسست‌های فرهنگی در جهان اسلام شکل بگیرد، طبیعی است که جلوه‌هایی از افول مقاومت را مشاهده خواهیم کرد. در قرن هجدهم و نوزدهم، انگلستان برای ایجاد تفرقه در کشورهای اسلامی، درصدد تجزیه سیاسی، ایدئولوژیک، فرهنگی و استراتژیک آنان بود. چنین الگویی، هم‌اکنون با تغییرات قابل توجه محتوایی همراه شده است. آنچه را انگلستان با عنوان «تفرقه بینداز و حکومت کن»^۵ به‌کار گرفت، امریکایی‌ها در دوران موجود از طریق ایجاد

۱ . Hollywood

۲ . Walt Disney

۳ . T.F Hart

۴ . T.F Hart, *Cultural Diffusion*, (Boston: McGraw-Hill) ۲۰۰۴.

۵ . Divide and Rule

موج‌های محتوایی برای انشعاب اجتماعی پیگیری می‌کنند.

در جریان فتنه پس از انتخابات که به سرکردگی برخی خواص فریب‌خورده رخ داد، شاهد نشانه‌های بارزی از گسست ارزشی و فرهنگی بودیم. اگر آنچه در کشور بروز پیدا نمود مسئله انتخاباتی قلمداد نماییم بسیار ساده‌لوحانه اندیشیده‌ایم. شواهد نشان می‌دهد میزان فعالیت‌های تبلیغاتی و هنجاری کشورهای غربی، طی سال‌های ۱۹۹۰ افزایش یافته است و متأسفانه بسیاری از این به‌اصطلاح نخبگان خودفروخته در این منجلاب غربی فرو رفتند و به تعبیر رهبر انقلاب در این آزمون بزرگ مردود شدند.

ماهیت رویکرد جدال‌های غرب در قبل و پس از جنگ سرد یکسان، اما دارای اهداف متفاوتی بوده است. در دوران نظام دوقطبی، اصلی‌ترین جدال استراتژیک فرهنگی کشورهای غربی علیه ایدئولوژی کمونیسم و اتحاد شوروی سابق صورت می‌پذیرفت. این جهت‌گیری‌ها موجب افزایش بحران در اندیشه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی شد؛ همین امر به گسست فرهنگی و ایدئولوژیک در بین گروه‌های یادشده منجر شد.

در دوران پس از جنگ سرد مراکز مطالعاتی زیادی در غرب وظیفه دارند تا جدال‌گرایی علیه کشورهای اسلامی را از طریق نرم‌افزارها و فرآیندهای غیرمستقیم پیگیری کنند. به‌طور کلی شواهد نشان می‌دهد که دیپلماسی عمومی علیه کشورهای جهان اسلام، جایگزین جنگ سرد فرهنگی شده است. در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ میلادی وقتی مدرنیته خود را به عنوان واقعیتی آشکار و غیرقابل اغماض بر مسلمانان تحمیل کرد، جهان اسلام با گفتمانی مواجه شد که در مقابل سیطره غرب، خویش را تعریف می‌کرد. کشورهای غربی، گفتمان مدرنیته را برای قطبی‌سازی نظام بین‌الملل به‌کار گرفتند. آنان ادبیات و جهت‌گیری سیاسی خود را در قالب یک تمدن ارایه کردند و از این منظر، زمینه را برای رسوخ ادبیات و هنجارهای غربی در کشورهای اسلامی فراهم آوردند. طبعاً نهادهای دینی و اجتماعی در کشورهای اسلامی با چنین فرآیندی مقابله کردند. در آن مقطع زمانی، اسلام‌گرایی بیش از آنکه ماهیت مبارزه‌جویی داشته باشد، در وضعیت مقاومت قرار داشت لیکن هم‌اکنون جهان اسلام با ابزارهای جهانی شدن، برای

خلق «امتی واحد» تلاش می‌کند.

زمانی که قالب‌های گفتمانی اسلام‌گرایی، ماهیتی پویا و مقاومت‌گرا داشته باشند، طبیعی است که در برابر گفتمان‌های رقیب در فرآیندی مبارزه‌جویانه قرار گیرند. جهان غرب برای کاهش قابلیت جهان اسلام از الگوی تجزیه قالب‌های گفتمانی بهره می‌گیرد. الگوی دیپلماسی عمومی یکی از نشانه‌های محدودساز قابلیت استراتژیک گروه‌های اسلام‌گرای دارای ماهیت و جهت‌گیری مبارزه‌جویانه است. به‌طور کلی باید رسانه را ابزار دیپلماسی عمومی دانست. شکل‌های مختلفی از ابزارهای رسانه‌ای در این روند به‌کار گرفته شده‌اند. محور اصلی دیپلماسی عمومی در دوران موجود را می‌توان از طریق نهادهای استراتژیک امریکایی قابل نقد و بررسی دانست.

برخی از متفکران اسلامی که از انجام اصلاحات در راستای غرب‌گرایی جانبداری می‌کنند، از پیش‌بینی هرگونه اسلام‌گرایی و فوران طغیان‌های خشونت‌آمیز بازمانده‌اند. رویکردهای احزاب سیاسی دوم خرداد در این چارچوب قابل بررسی هستند. از سوی دیگر، بخش دیگر جامعه اسلامی همواره نسبت به این‌گونه رویکردهای غرب‌محور واکنش نشان می‌دادند؛ این امر نشان می‌دهد که اسلام‌گرایی محور اصلی ادبیات اعتراضی علیه جلوه‌هایی از نوسازی غربی است. این‌گونه روندها که به اصطلاح مدرنیزه‌کردن جامعه نام گرفته‌اند براساس قالب‌های غربی طراحی شده‌اند. به این ترتیب، فرآیندهای معطوف به دیپلماسی عمومی، زمینه‌های لازم را برای حداکثرسازی انعطاف‌پذیری کشورهای اسلامی در برابر موج‌های نوسازی و مدرنیزاسیون غربی به‌وجود می‌آورد.

◆ اجرایی‌سازی انقلاب‌های رنگین

در دهه اول قرن ۲۱ این الگو در ارتباط با کشورهایی که در حوزه منافع استراتژیک روسیه قرار داشتند، از سوی ایالات متحده به‌کار گرفته شد. هنگامی که این کشورها پیوندهای خویش

را با روسیه از دست دادند و نسل جدیدی از سیاستمداران طرفدار غرب در نظام‌های حکومتی آنها بر سریر قدرت نشستند، غرب نیز ترغیب شد که از الگوی انقلاب‌های رنگین برای تغییر ساختارشان و کمرنگ نمودن منافع روسیه در این منطقه استفاده نماید. بنابراین دستگاه تبلیغاتی و سیاستگذاری غرب، برای ایجاد دگرگونی سیاسی از طریق تغییر جهت در افکار و آرای اندیشمندان و جوانان کشور هدف، تلاش فراوانی انجام داد.

در مورد جوامع اسلامی راهبرد آنان از سه مرحله تشکیل یافته است؛ در مرحله اول، غرب با استفاده از الگوی شبیخون فرهنگی و ارسال پیام‌ها، فیلم‌ها و تصاویر مستهجن و تحریک‌کننده سعی در تحت تأثیر قرار دادن جوانان و نوجوانان نمود. در مرحله دوم آنان تلاش نمودند تا با استفاده از مفاهیم و کارویژه‌های عصر رنسانس همچون سکولاریسم، عقلانیت، آزادی بی‌حدوحدی، نقد سنت‌گرایی و پرداختن به امور دنیا و روی برتافتن از جریانات ماهوی، زمینه‌های واکنشی اپوزیسیون و روشنفکران وابسته به خود را فراهم آورند. پس از این و در مرحله آخر ضمن حمایت از این تغییر ایدئولوژی‌ها، مقدمات گسترش آشوب‌های سیاسی را در جوامع هدف پیاده کردند. منظور از جوامع هدف در اینجا کشورهایی می‌باشد که از قابلیت و قدرت مقاومت در برابر هنجارهای غربی و الگوهای دگرگون‌ساز ساختاری برخوردارند.^۱ طبیعی است که هر قدر این کشورها از قدرت مقاومت‌گرایانه نزولی، انسجام سیاسی و ساختاری محدود بهره برند، فشارهای بین‌المللی غرب افزایش خواهد یافت. امریکایی‌ها برای کاستن از بار مقاومتی جوامع اسلامی و به‌ویژه جمهوری اسلامی، سعی نمودند تا در این سال‌های اخیر ضمن کاستن راهبردهای مقاومت‌گرایانه ایران در منطقه، زمینه مواجهه برخی نیروهای اجتماعی وابسته به خویش را با حاکمیت فراهم آورند. این رهیافت غربی‌ها از طریق تزریق ایدئولوژی و ادبیات سیاسی جدید به فضای اجتماعی کشورهای

اسلامی پیگیری می‌شود.^۱ رویکردهای مقابله‌جویانه در ایران با استفاده از ابزار رسانه و حضور سرویس‌های اطلاعاتی در طول ماه‌های قبل و پس از انتخابات و در راستای پروژه استحاله از درون نظام صورت گرفته است. روند تداومی این پروژه در بخش‌های زیادی از گزارش اوپاما به کنگره در تاریخ ۱۳۸۹/۲/۲ قابل مشاهده می‌باشد.^۲

لاورنس دیویدسون،^۳ استاد دانشگاه وست‌چستر،^۴ در مصاحبه با پایگاه اندیشه، حضور سرویس‌های غربی را در ایران در دو شکل مورد بررسی قرار داده است؛ حضور سخت و حضور نرم.

از منظر دیویدسون حضور سخت این سرویس‌ها به واسطه حمایت از گروه‌های ناراضی صورت می‌گیرد که به اقداماتی همچون ترور و خرابکاری دست می‌زنند. او معتقد است این حمایت (مادی و پولی) از طریق عملیات سری وزارت دفاع آمریکا و سازمان سیا انجام می‌گیرد. موارد مشابهی از این‌گونه رفتارها در کشورهای حوزه قفقاز که گرفتار انقلاب‌های رنگین شده بودند، قابل مشاهده بود.

این استاد دانشگاه تأکید می‌نماید که شکل دوم این حضور در ایران از الگوی برخورد نرم پیروی نموده است. در این الگو حمایت مالی از سوی یک سازمان دولتی آمریکا تحت عنوان «سازمان ملی اعطای دموکراسی» صورت می‌گیرد. البته او برای اثبات حرف‌هایش به یک جمله از مقام معظم رهبری اشاره می‌کند و می‌گوید:

من توجه شما را به اظهارات اخیر آیت‌الله خامنه‌ای جلب می‌کنم که گفت من رهبران حوادث اخیر را به همکاری با خارجی‌ها مانند آمریکا و انگلیس متهم نمی‌کنم زیرا این

۱. همان.

۲. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹/۲/۷. برای مطالعه بیشتر رک:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۸۹۰۱۲۷۰۸۷۰>

۳. Lawrence Davidson

۴. West Chester University

موضوع هنوز برای من ثابت نشده است.^۱

این نشان می‌دهد که همکاری نکردن برخی از این افراد هم هنوز اثبات نشده است. دو رهیافتی که از سوی سران فتنه پس از انتخابات پیگیری می‌شد، تأکید بر القای حس ناامیدی و تقویت نگرش تردیدگونه مردم به سازوکارهای اجرایی نظام و به‌ویژه دولت بود. به این ترتیب به‌وضوح می‌توان گفت که القای حس ناامیدی نسبت به آینده از سوی برخی سران فتنه و با پشتیبانی ایالات متحده از جمله شرایطی است که قصد ایجاد زمینه‌های لازم برای تغییرات ساختاری را در درون نظام داشته است.

به هر میزان که کشورهای اسلامی در شرایط بیگانگی از ساخت‌های حکومتی و سنت‌های سیاسی قرار گیرند، طبعاً بسترهای لازم و مناسب برای دگرگونی اجتماعی مورد نظر غرب فراهم می‌شود؛ به همین دلیل آنها در تلاش‌اند تا زمینه رویارویی سیاسی و هنجاری از برخی به اصطلاح روشنفکران ایران را با گروه‌های ساختاری و حکومتی فراهم کنند.^۲

طرفداران انقلاب‌های رنگارنگ در کشورهای اسلامی و به‌ویژه ایران، معتقدند که اهداف خود را از طریق ایجاد تردید نسبت به آموزه‌های ساختاری در بین گروه‌های اجتماعی پیگیری می‌کنند. در فتنه پس از انتخابات به‌کرات شاهد آن بودیم که استوانه‌های نظام اسلامی به‌وضوح منادی این هدف غربی‌ها قرار گرفتند و اصرار نمودند که در جامعه تردید به‌وجود آمده است. از این‌رو ادبیات سیاسی جدیدی در کشورهای اسلامی در حال ترویج است. تئوری گذار به دموکراسی را می‌توان از جمله موارد و مؤلفه‌هایی دانست که زمینه‌ساز ایجاد آموزه‌های جدید سیاسی در مقابله با اصولگرایی می‌باشد.

۱. برای مطالعه بیشتر رک:

<http://www.bashgah.net/modules.php?name=Articles&op=show&aid=۳۶۱۲۰&query=۲KzZhtqvINmG۲LHZhQ=>

۲. ابراهیم متقی، همان، ص ۱۹۴-۱۹۳.

در یک جمع‌بندی کلی برای این بحث می‌توان گفت که الگوی انقلاب‌های رنگارنگ بر اساس تقویت نیروهای انجام می‌گیرد که از یک‌سو نسبت به قالب‌های تئوریک دموکراسی غربی تأکید دارند و از سوی دیگر تمایل دارند از شکل‌بندی‌های سیاسی و ساختاری جامعه خود فاصله بگیرند. در این راستا مجموعه‌های تحلیلی، مراکز پژوهشی و نیز ساخت‌های امنیتی جهان غرب آموزه‌های خود را در قالب ادبیات سیاسی مدرن در اختیار مراکز اندیشه‌ای وابسته به خویش در داخل قرار داده‌اند.

پروفسور مولانا در وصف این کانون‌های وابسته می‌گوید:

امریکا و برخی کشورهای اروپایی در انقلاب‌های رنگی بر تبلیغات، جنگ‌های روانی، تهاجم رسانه‌ای، تشکل و بسیج افراد و گروه‌ها و احزاب تکیه می‌کنند. معماران و نقشه‌پردازان این‌گونه تحرکات به دنبال کسانی هستند که از صفات مشخصی برخوردار باشند: ۱. جاه‌طلبی و خودخواهی ۲. قدرت‌طلبی و تکبر سیاسی ۳. ضعف در ایمان و باورها ۴. علاقه فراوان به ثروت، ۵. حقارت در برابر قدرت امریکا و اروپایی‌ها و نداشتن اعتماد به نفس و ۶. تقلید و پذیرش الگوهای غرب.^۱

◆ الزامات اجتماعی در مواجهه با جنگ نرم

طی ۳۰ سال پس از انقلاب اسلامی ایران به دلیل ماهیت جدیدی که در منطقه خاورمیانه تحت تأثیر ایران شکل گرفته بود، جنگ نرم با روند سریع‌تری دنبال شد. استعمارگران غربی به‌صراحت و وضوح، میزان تأثیرگذاری ایران را بر افکار داخلی خود و به‌ویژه بر دیگر ساکنان منطقه مهم و استراتژیک خاورمیانه که به گفته بسیاری از کارشناسان سیاسی، ژئوپلیتیک‌ترین منطقه در کل جهان برای تمامی اهداف استعماری به‌شمار می‌رود، لمس می‌کردند و با توجه به دورانی که موسوم به جنگ سرد بود و با وجود به‌راه انداختن جنگ‌های

۱. حمید مولانا، «ظهور و سقوط کودتای مخملی»، ویژه‌نامه کودتای مخملی، تهران، معاونت پرورشی و تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۸.

وسیع نظامی در منطقه نیز نتوانسته بودند از میزان این اثرگذاری بکاهند، اندک‌اندک به این نتیجه رسیدند که برای از دست نرفتن بیش از پیش اهداف استعماری‌شان در منطقه از طریق ایران، به‌عنوان مهم‌ترین کشور فارسی‌زبان، ابزارهای جنگ نرم را بیش از قبل برای مقابله با این روند رو به رشد به‌کار بگیرند.

این رویکردهای غرب، برای ما در داخل کشور الزاماتی را به‌همراه خواهد داشت. مناسب است در ابتدای این بخش به رهنمودهای رهبر انقلاب در این زمینه توجهی دوباره داشته باشیم.

رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری:

نظام اسلامی تجربه سی‌ساله مقابله با چالش‌های مختلف را دارد اما با توجه به پیشرفت‌های نظام و پیچیده‌تر شدن دستاوردهای آن، توطئه‌ها و طراحی‌های مخالفان نیز پیچیده‌تر شده است که باید ابعاد و جوانب مختلف آن شناخته شود تا بتوان بر آنها غلبه کرد.

در مقطع فعلی دشمن با یک جنگ روانی که جنگ نرم نامیده می‌شود به مقابله با نظام اسلامی آمده و در این جنگ هدف اصلی دشمن تبدیل نقاط قوت نظام به تهدید می‌باشد. مخالفان نظام در جنگ نرم با استفاده از ابزارهای فراوان تبلیغاتی و ارتباطاتی، ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها و پایه‌ها و ارکان یک نظام و کشور را مورد تهاجم قرار می‌دهد که مقابله با آن نیازمند حضور هوشیارانه، آگاهانه و همراه با تدبیر در وسط میدان است که البته چنین حضوری، کمک الهی را به‌همراه خواهد داشت.

زیرساخت‌های مستحکم و آمادگی کشور برای یک حرکت جهش‌وار، پیشرفت‌های چشمگیر علمی، تجربه سی‌ساله نظام، نسل جوان پرانرژی، تحصیل‌کرده و دارای اعتمادبه‌نفس و سند چشم‌اندازی که حرکت پیشرفت کشور را تا سال ۱۴۰۴ مشخص کرده، همه قله‌های برجسته‌ای هستند که معارضان جمهوری اسلامی می‌خواهند با القای

سیاه‌نمایی و بن‌بست، آنها را به نقاط ضعف و یأس تبدیل کنند.^۱

رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با فرهیختگان و شعرای جوان:

حوادث اخیر قبل و بعد از انتخابات در کشور مانند یک رزمایش، موجب آشکار شدن نقاط ضعف و قوت و در مجموع یک نعمت بزرگ بود. یک انسان هنری و فرهنگی وظیفه سنگین و خطیر بازگویی حقیقت و «تبیین و تبلیغ» را برعهده دارد و باید برای درک حقیقت، تلاش و مجاهدت کند چراکه در حوادث فتنه‌گون، شناخت عرصه و اطراف آن و تشخیص «مهاجم و مدافع» و «دوست و دشمن» دشوار است.

بصیرت، لازمه تشخیص و شناخت عرصه و میدان بوده و اهل فرهنگ و ادب گوشه‌ای از حرکت عظیم و مستمر انقلاب اسلامی هستند که باید آنچه را به عنوان حقیقت می‌فهمند با فصاحت و بلاغت، بیان کنند چراکه با شیوه سیاستمداران نمی‌توان در عالم فرهنگ حرکت کرد بلکه باید با تبیین و رساندن حقایق، گره‌گشایی کرد.

وقتی انسان، تجهیز، صف‌آرایی، دهان‌های با حقد و غضب گشوده‌شده و دندان‌های با غیظ فشرده‌شده علیه انقلاب، امام‌خمینی و آرمان‌های نظام اسلامی را می‌بیند وجود این جنگ نرم را باور می‌کند هر چند ممکن است عده‌ای اینها را نبینند.

در این جنگ نرم وظیفه مجموعه فرهنگی این است که هنر را تمام‌عیار و با قالبی مناسب به میدان آورد تا اثرگذار شود.^۲

چنانچه دولتمردان بخواهند در راستای تحقق فرمایشات رهبری به‌عنوان یک ایرانی دغدغه‌مند و سرباز ولایی، گامی مؤثر بردارند بایستی مراحل زیر را به صورتی هدفمند طی نمایند:

۱. داشتن کانال‌های چندگانه ارتباطی داخلی و خارجی؛

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد جزئیات این دیدار رک:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۸۹۴۷>

۲. برای مطالعه بیشتر رک:

<http://www.kayhannews.ir/۸۸۰۶۱۶/۲.htm#other۳۰۲>

۲. حرکتی آرام، پراکنده و مداوم در جهت تسخیر افکار عمومی توسط رسانه‌های همراه و همگام با مردم (نه رسانه‌ای که قصد مدیریت افکار را داشته باشد)؛

۳. ایجاد گفتمان‌های خبری - رسانه‌ای در خارج و داخل به زبان‌های مختلف؛

۴. توجه به طراحی و انعکاس برنامه‌هایی که تفکر جهانی شدن از محلی شدن را منعکس کند (جهانی شدن برنامه‌ها؛ باید از پنجره خارج به داخل نگرست نه از پنجره داخل به خارج)؛

۵. اعلام برنامه‌ها و اصول کلی اجرایی و تشریح دیدگاه‌ها در مورد مسائل حساس جهانی و منطقه‌ای و معرفی تیم اجرایی سیاست خارجی مشخص جهت تبیین آنها.

قرآن کریم می‌فرماید: «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم»^۱ یعنی وقتی دشمنان با شما وارد جنگ شدند، شما هم با آنها مقابله به مثل کنید. اگر جنگ، جنگ نظامی است باید از طریق نظامی وارد شد؛ «و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه»^۲. اگر جنگ، جنگ اقتصادی است، به همان شیوه و اگر جنگ، جنگ فرهنگی و فکری است باید مقابل به مثل ما هم به همان صورت شکل بگیرد. بنابراین در کنار موارد پیش‌گفته و شاید به‌عنوان یک محور اساسی، باید برای مقابله به مثل هم با همان شیوه‌های فکری - فرهنگی و تقویت افکار سالم در ضمیر جامعه اقدام کرد. تلاش برای تقویت روزبه‌روز باورهای سالم، هجمه‌های فرهنگی و نرم را نیز خنثی خواهد کرد.

باید این نکته را در نظر داشته باشیم که چون قشر دانشگاهی بیشتر با مقوله فکر و فرهنگ ارتباط دارد، در جنگ نرم دشمن نیز این قشر در اولویت‌های بالای آنها قرار می‌گیرد. حال اگر در قشر تجار، بازرگانان و... وارد شویم، مباحث اقتصادی و جنگ اقتصادی همچون تحریم و... بیشتر مدنظر است و مباحث ایدئولوژیک و فکری چندان موضوعیت پیدا نمی‌کند. بنابراین دانشگاهیان که بیشتر با دانش، کتاب، ایدئولوژی، فرهنگ و... سروکار دارند، مخاطب و هدف

۱. قرآن کریم، ۱۹۴/۲.

۲. قرآن کریم، ۶۰/۸.

اصلی دشمن در جنگ نرم هستند.

نقش روشنگر اساتید دانشگاه در مقابله با جنگ نرم برای دانشجویان بسیار اساسی است. استادان دانشگاه می‌توانند ادراک مناسب از وضعیت موجود را به دانشجویان خود منتقل کنند. بدون شک اگر دشمنان ما از جمله امریکا و اسرائیل، حرف‌های جذابی می‌زنند، دلشان برای این کشور نسوخته یا به دنبال منافع ملی ما نیستند. نتیجه توجه آنها به کشورهای خاورمیانه را می‌توان در عراق و افغانستان مشاهده کرد؛ بنابراین جذابیت‌های ظاهری که در قالب القائنات دشمن ایجاد می‌شود، باید توسط اساتید برای دانشجویان کالبدشکافی شود.

◆ نتیجه‌گیری

هر چند انقلاب اسلامی در نیل به آرمان‌های خود مسیر پرفرازونشیبی را پشت سر نهاده است، اما امروزه نحوه آرایش پیچیده نظام سلطه سرمایه‌داری اقتضا می‌کند نظام جمهوری اسلامی ایران واکنش هوشمندانه‌تری را اتخاذ نماید. با توجه به راهبرد جنگ نرمی که ابعاد و مؤلفه‌های آن در این تحقیق، بازشناسی و تعریف شد، به‌طور مقتضی باید نقاط آسیب احتمالی در حوزه جنگ نرم در زمینه‌های مدیریتی و اقتصادی و هنری به‌طور جدی بررسی و تدابیر و تمهیدات لازم تدوین شود.

از دیگر سو، ضمن احصای فرصت‌های داخلی، نقاط آسیب جبهه دشمن نیز شناسایی و زمینه تدارک اقدامات آفندی در خصوص جنگ نرم مهیا شود. فتنه حوادث پس از انتخابات نشان داد آنچه باید مورد توجه نخبگان سیاسی جامعه قرار گیرد مسئله بصیرت است که بارها در کلام رهبری متبلور شده، چراکه گاهی در جنگ نرم با همه نخبگی و فراستی که افراد از خود نشان می‌دهند، فریب پیچیدگی طرح دشمن را می‌خورند و وارد گردونه‌ای می‌شوند که زیان جبران‌ناپذیری به بدنه نظام اسلامی وارد می‌کند.

امروز استفاده از قدرت نرم برای تأمین منافع ملی و تمامیت ارضی کشور، ضروری و

مراقبت از کشور در برابر تهدید نرم، حیاتی است. استفاده از قدرت نرم علیه تمامیت ارضی، استقلال و هویت ملی کشور تنها در شرایط ضعف نظام اتفاق نمی‌افتد بلکه در «پیروزی‌های خیره‌کننده» نیز دیده می‌شود؛ از این‌رو رهبر معظم انقلاب اسلامی برای خنثی کردن تهدیدهای دشمن، دانشجویان، اساتید دانشگاه‌ها و هنرمندان را به میدان فراخوانده‌اند. در جنگ نرم، دشمن از ادبیات خاص یعنی «تاریک نشان دادن آینده» استفاده می‌کند و با ایجاد شک و تردید در اصول و دستاوردها تلاش می‌کند مردم را دچار ترس و اضطراب کند و نیروهای اصلی را خسته نماید. رهبر معظم انقلاب اسلامی، برای خنثی شدن این ترفند به اساتید دانشگاه‌ها فرمودند: «لازم نیست شما از افراد نام ببرید ولی لازم است که به دانشجویان امید بدهید تا دستاوردهای بزرگ کشورشان را کوچک نبینند». در جنگ نرم، از «احساسات» و «مظلوم‌گرایی» به عنوان چاشنی اقدامات خطرناک استفاده می‌شود. در این میدان آن دسته از نیروهای جوان که به دلیل برخورداری از هوشیاری سیاسی، دست فتنه‌گران را می‌خوانند وظیفه‌ای مهم بر عهده دارند. رهبر معظم انقلاب با تأکید بر رسالت دانشجویان به عنوان «افسران جوان» و اساتید دانشگاه به عنوان «فرماندهان خودی جبهه نرم» مسئولیت آنان را یادآور شدند.

جنگ نرم، صحنه رویارویی دروغ‌های بزرگ با واقعیت‌های تردیدناپذیر است. در این جنگ، کافی است که هواداران جبهه حق بیدار باشند و بیکار ننشینند چراکه زبان حق همیشه مؤثرتر از زبان باطل است.